

نگاهی به مجموعه داستان «نغمه هور»

בלاتکلیف میان زبان محاوره و کتابی



مجموعه داستان «نغمه هور» نوشته فاطمه باقریان از ۱۷داستان کوتاه خوش‌خوان با درونمایه جنگ ایران و عراق تشکیل شده است. نویسنده از زاویه دیدهای متنوعی استفاده کرده است.

داستان‌ها هم به صورت اول شخص روایت می‌شوند، هم به شیوه دانای کل. اما این داستان‌ها چند تا مشکل کوچک دارند که اگر نویسنده آنها را مراعات می‌کرد به ماندگاری آنها می‌افزود. گاهی نویسنده‌های ما داستان‌های زیبایی می‌نویسند و انصافاً سوزهای خوبی را برای نوشتن انتخاب می‌کنند و حتی ساختار داستانشان هم محکم است، اما متأسفانه قواعد و تاکتیک‌های نگارش در داستان‌نویسی را رعایت نمی‌کنند. این موضوع دو حالت دارد؛ یا از این مقوله کلاهی بخردند یا در چاپ داستانشان شتاب‌زده عمل می‌کنند و قبل از اینکه قصه را به یک نویسنده حرفه‌ای و باتجربه برای خواندن بدهند و نکته و نکته و نظر‌اتش را جویا شوند، آن را به چاپ می‌سپارند. در داستان اول قصه(صدای سفر) که راوی آن زنی به اسم سارااست دو شخصیت وجود دارد؛ یکی سارا و دیگری همسرش رضا. در سراسر داستان مونولوگ‌های سارا را می‌بینیم. در اینجا از پیرنگ و محتوای داستان نمی‌خواهم صحبت کنم اما این داستان کوتاه نثر و پرداختی نامنسجم دارد. این همان مشکلی است که خیلی از نویسندگان نوپا راحت از کنارش می‌گذرند. نویسنده این داستان کوتاه تکلیفش را با مخاطب روشن نکرده که می‌خواهد داستانش را به زبان محاوره و شکسته بنویسد یا کتابی. وقتی این دو زبان باهم ادغام می‌شود، نثر از حالت یکدستش خارج می‌شود. در قسمتی از داستان صدای سفر این‌گونه می‌خوانیم: «هیاهوی گنگی در اطرافم پابر جاست...» در ادامه این‌طور می‌خوانیم: «دلم می‌خواد چرخ‌چی بزنم و دلیل این همه هیاهو رو ببینم.» به همین راحتی نویسنده در یک پاراگراف از دو سبک نوشتاری استفاده کرده است؛ کتابی و محاوره. این تغییر روایت در داستان‌های دیگر مجموعه هم به چشم می‌خورد. در داستان دوم کتاب یعنی «شب، مهتاب، پرواز سرخ» هم این اتفاق افتاده است: «گوش‌هایش را تیز کرده. آرد! تا با هر صدای کوچکی واکنش نشان دهد. خدا کند که کسی این طرف نیاید، وگرنه تمام کارهایش نقش بر آب می‌شود.» در این پاراگراف ما هم دخالت نویسنده را می‌بینیم و هم به همریختگی و نامفهومی جمله را. نویسنده جمله «خداکند که کسی این طرف نیاید» را باید از ذهن و فکر کاوه می‌گفت نه از زبان خودش. یکی دیگر از ایرادات قصه، استفاده بی‌مورد از نقطه‌چین در لابه‌لای جملات و کلمات است: «... عصیانیت از دقیقه پیشش را فراموش کرد... دسستی به پیشانی خاک‌آلود او کشید... صدای زمزمه‌های کوتاهی را شنید...» این مورد را تقریباً در تمام داستان‌های کتاب می‌بینیم. علامت «قطعه‌چین» بیشتر در دیالوگ و مونولوگ‌های شخصیت‌های داستان کاربرد دارد نه در نثر نویسنده، آن هم به کرات. اما از واقعیت که نگذریم این مجموعه داستان حسن‌هایی هم دارد، یکی اینکه داستان‌های کوتاه کتاب واقعاً داستان کوتاه هستند نه خیلی کم که بشود به آنها داستاتک گفت و نه خیلی بلندتر از حد استاندارد که نتوان نام داستان کوتاه را بر آنها گذاشت. این نکته‌ای است که خیلی از کوتاه‌نویس‌ها رعایتش نمی‌کنند. با اینهمه که نویسنده به‌ظن همه داستان‌هایش داده تا قصه‌ها را از حالت آشکار خارج کند، سبب می‌شود تا مخاطب به پاراگراف آخر داستان نرسد و نتواند پایان آن را تشخیص بدهد. موضوع مدی طراحی زیبای جلد کتاب است که با متن آن همخوانی دارد. «نغمه هور» در ۷۵ صفحه متوسط انتشارات عطران در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است.

در گذشت

محمد رضا الوند از فعالان تئاتر ایران در گذشت

محمد رضا الوند، مدیر امور تئاتر استان‌های اداره کل هنرهای نمایشی در ۵۶سالگی و بر اثر ابتلا به کرونا چشم از جهان فرو بست. محمد رضا الوند متولد ۱۳۴۳ از چهره‌های فعال در عرصه تئاتر ایران که سابقه ریاست شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی را در کارنامه کاری خود داشت، پنج‌شنبه هفتم اسفند و همزمان با روز پور و ولادت حضرت علی (ع) دار فانی را وداع گفت. وی که به عنوان مدیر امور تئاتر استان‌های اداره کل هنرهای نمایشی فعال بود، به دلیل ابتلا به کرونا طی چند روز اخیر در بیمارستان بستری بود. روزنامه «جوان» در گذشت محمد رضا الوند را به خانواده ایشان و جامعه تئاتر ایران تسلیت می‌گوید.

رامین جیان پور



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰ روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸۰،نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴ توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۱۵۶ | شنبه ۹ اسفند ۱۳۹۹ | ۱۵ رجب ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۲:۱۷ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۸ | اذان مغرب: ۱۸:۱۶ | نیمه‌شب شرعی: ۲۲:۲۵ | اذان صبح فردا: ۵:۱۲ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۳۶ |

مردی که پای فیلمسازی در باره قصه‌های قرآن سلحشور بود

تعهد فرج‌الله سلحشور در پرداخت به داستان‌های قرآنی از ساخت تله‌تئاتر حضرت ایوب(ع) آغاز شد و تا آستانه ساخت پروژه موسی(ع) پیش رفت



محمد صادقی

هشتم اسفندماه سالروز درگذشت هنرمند متعهد و انقلابی مرحوم فرج‌الله سلحشور بود؛ فردی که نام وی با ساخت مجموعه‌های تلویزیونی بر اساس داستان‌های قرآنی گره خورده و بعد از درگذشت او، هنوز هیچ هنرمندی نتوانسته است راهی را که او در پرداختن به قصص قرآن در پیش گرفته بود، به همان سبک و سیاق پی بگیرد.

مرحوم سلحشور در هشتم اسفندماه ۱۳۹۴ پس از سال‌ها تحمل بیماری چشم از جهان فرو بست. وی در حالی که ماه‌های آخر عمر از شدت بیماری و ضعف جسمانی دچار مشکلات متعددی شده بود، باز هم از تلاش برای فراهم آوردن شرایط ساخت سریال فارغ‌موسی(ع) دست برنداشت. همین ویژگی‌ها باعث شده بود او به عنوان یک هنرمند زرتشی، چهره‌ای خاص به شمار آید.

شاید همین خاص بودن مرام و شخصیت هنری سلحشور بود که وی را اماج حملات و تهمت‌ها قرار داده موضوعی که سعید الهی، کارشناس فرهنگی به آن اشاره کرده است. الهی در توثیتی که به مناسبت سالگرد درگذشت کارگردان سریال «یوسف پیامبر(ع)» منتشر کرده، نوشته است: «روشنفکران، شخصیت او را به دلیل برخی ضعف‌های آثارش یا به سخره گرفته یا نشر افکارش را همواره سانسور کرده‌اند! خدا کند جوانان خوش ذوق انقلابی تحت القاتل این فضا قرار نگیرند و تفکران این هنرمند قرآنی را فراموش نکنند.»

هنرمندی که سراغ قصه‌های قرآنی رفت

مرحوم سلحشور در مصاحبه‌ای درباره ورودش به قصه‌های قرآنی گفته بود: «می‌دانستم بدام قصه‌های مذهبی را بر دارم و کار بکنم. مدام هم دنبال این بودم که ببینم می‌توانم فرمول و تئوری‌ای برای فیلم و سریال‌سازی اسلامی پیدا کنم یا نه.

در حقیقت این کارها قدم به قدم من را به این هدف می‌رساند که آیا ما می‌توانیم ماهیت فیلم و سریال‌سازی اسلامی را روشن بکنیم و تعریفی بدهیم یا نمی‌توانیم، منتها حرف‌های ما جسته و گریخته بود و منسجم نبود تا اینکه

حکمت

پیامبر(ص):

هیچ پشتیبانی نیکوتر از وایزنی

نیست.

«گزیده تحف العقول»

نگاه دینی سلحشور به سینما

حجت‌الاسلام بصیر سلحشور فرزند کارگردان فقید سینمای ایران در گفت‌وگویی که به مناسبت سالگرد درگذشت این هنرمند ارزشی انجام داده است، درباره نگاه مرحوم سلحشور به سینما و هنر می‌گوید: «مرحوم سلحشور قائل به این نبود که سینما برای سینماست یا هنر برای هنر است یا هنر برای سرگرمی است. در هنر دینی هنر وسیله است برای پیام و در بطن دین اسلام هم همین است. تمام اعمال و احکامی که ما داریم انجام می‌دهیم وسیله‌ای است برای متخلق به اخلاق الهی شدن و برای به کمال رسیدن.» وی می‌افزاید: «مرحوم سلحشور گفته بود که تمام سرمایه‌ام را می‌خواهم روی قصص انبیاء(ع) بگذارم نه فقط روی قرآن بلکه در قرآن قصص انبیاء(ع) و قصه برایشان مهم بود. همیشه تعبیرم این است که قصص انبیاء(ع) در قرآن داستان نیست، ایرداستان است، یعنی هر کدام از اینها ایرداستان‌های تاریخ است که یک طرف تاریخ را با خود برده و شانش خیلی بالاتر از اینی است که در قالب یک داستان از آن تعریف کنیم.»

درس فیلمسازی سلحشور

منصور براهینی، استاد دانشگاه و فیلمنامه‌نویس درباره همکاری با مرحوم سلحشور می‌گوید: «مرحوم سلحشور راهی را پیش برد که برای من و خیلی‌ها درس آموز بود و تا آخرین لحظه درباره فیلمنامه حضرت موسی(ع) تلاش کرد تا فیلمنامه را نفروشد و امکان انتخاب دست خودش باشد. حالا وقتی هم که فیلمنامه را واگذار کردند، هنوز که هنوز است خبری از آن نیست و گاهی خبرهایی می‌آید و می‌رود. آنچه سلحشور در این سال‌ها به ما یاد داد، این بود که آدم برای ساختن آثاری اینچنینی بدون حمایت دولتی راهش را برود و این مدل کار‌ها هزینه‌اش جور می‌شود و مطمئناً اگر موسی(ع) در بخش خصوصی بود تاالآن تولید هم شده بود! دیگر سرنوشتش طور دیگری است و دیگران باید جواب دهند. براهینی می‌افزاید: «درس بعدی که‌ه او به ما داد، روحیه گروه‌ای‌اش بود و هر چه هم می‌گذشت این روحیه بیشتر می‌شد و هر چه ابعاد کار سنگین‌تر می‌شد، ایشان بیشتر به این نتیجه می‌رسید که باید گروه تولید و نگارش تعدادشان بیشتر و گسترده‌تر شوند. به مراتب تعداد افراد که در فیلمنامه حضرت موسی(ع) با او همکاری کردند خیلی بیشتر بودند، از مشاور بگیردی تا محقق و پژوهشگر‌ها و افرادی که مستندهای تاریخی برایشان تهیه می‌کردند و حتی مواردی از این دست که در حد امکاناتی که آن زمان در اختیار بود، بتوانند استوری برد برای فیلمنامه تهیه کنند.» اکنون چند ماهی است که با انتخاب ابراهیم حاتمی‌کیا به عنوان کارگردان، مجموعه موسی(ع) میراثی که مرحوم سلحشور به جای گذاشته بود در مسیر تازه‌ای قرار گرفته است و امید می‌رود آنچه سلحشور در آرزوی ساخت آن بود به سرانجام برسد.

نما حسین کشتکار



نقد فیلم

شوخی «آن شب» با ژانر وحشت!

«آن شب» ژانرش را گم کرده و تلاش می‌کند مخاطب را با موقعیت‌های کوچک و تکراری تحت تأثیر قرار دهد



افشین علیار

در آنجا که سینمای ایران کمبود قابل توجهی در تنوع ژانر و به تبع آن ژانر وحشت دارد، هر گاه فیلمی کمی هراس‌آور باشد به آن برچسب فیلم ترسناک یا دلهره‌آور می‌زنند، به همین جهت است که در معرفی فیلم «آن شب» اولین اثر سینمایی کوروش آهاری نوشته شده فیلمی ترسناک و دلهره‌آور! اما این معرفی قطعاً یک کار تبلیغی برای دیده شدن فیلم است چرا که آن شب نه ترسناک، نه دلهره‌آور و نه حتی روانشناسانه است. آن شب یک اثر تجربی است که به هدفش نرسیده فیلمی که تلاش کرده با استفاده از الگوهای موفق استفاده شده در آثار خارجی شکل بگیرد. فیلمساز بی‌توجه به اینکه در این برهه مردم با یک کلیک جدیدترین اثر ترسناک جهان را می‌بینند، فیلمی ساخته که تقلید دست‌چندم و شلخته‌ای است که مخاطب را پس می‌زند. مخاطبی که به سینمای وحشت علاقه دارد، قطعاً به تقلید دست‌چندم و شلخته‌ای است که مخاطب را پس می‌زند. مخاطبی که به سینمای وحشت علاقه دارد، قطعاً به تقلید دست‌چندم و شلخته‌ای است که مخاطب را پس می‌زند. مخاطبی که به سینمای وحشت علاقه دارد، قطعاً به تقلید دست‌چندم و شلخته‌ای است که مخاطب را پس می‌زند. مخاطبی که به سینمای وحشت علاقه دارد، قطعاً به تقلید دست‌چندم و شلخته‌ای است که مخاطب را پس می‌زند.

در آنجا که ژانر وحشت نیاز میرمی به همذات‌پنداری مخاطب دارد اما آهاری با موقعیت‌های کوچک و تکراری سعی کرده مخاطب را در فضای عجیب و غریب قرار بدهد. ایجاد اتفاق به‌جریان از همان ابتدا یعنی ورود بابک و ندا به داخل هتل قابل حدس است. فیلمنامه نقص‌ها و حرفه‌های بزرگی دارد که فیلمساز نتوانسته آنها را بر کند. در همان سکانس‌های اول دلیل بابک برای اینکه به خانه دوست‌شان نبرگردد، کاملاً غیرمنطقی است. مشروب الکلی بابک یا دندان در دردش به روند فیلم کمک نمی‌کند، مشخص نمی‌شود که توهم او حاصل چیست؟ خواب دیدن نمی‌تواند دلیل بر تأثیرات مشروب باشد، مشخصه‌های ژانر

رسانه ملی

مجری برنامه «کودتای ۹۹»:

صداوسیمای برنامه تاریخی مخاطب‌پسند و جوان‌پسند کم دارد



تاریخ روشنگری نکنیم، یک عده آن طرف آب با غرض‌ورزی خودشان این کار را می‌کنند. این پژوهشگر تاریخ معاصر در ادامه عنوان کرد: در ۱۵ سال اخیر تبلیغات خیلی مزاکم و مستنمتر و در عین حال پوچ و غیرعلمی درباره رضان‌ها هم در رسانه و هم در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاده و در این باره کار منسجمی نیز صورت نگرفته بود. خیلی‌ها طالب این بودند که ما منطق خودمان را به شکل مستدل و روشن در این زمینه تبیین می‌کنیم. ضرورتی که موجب شد من این کار را بپذیرم این است که قدیمی در جهت روشن شدن ماجرا برای مردم به‌طور همه‌فهم و ساده‌ام متکی بر استدلال و اسناد دراشته شود. تصور این است در این چهار برنامه‌ای که اجرا شد، تقریباً مخاطبی که حتی مطالعه‌ای هم در این زمینه ندارد، شمای از موضوع به دستش می‌آید و دست‌کم سرنخ‌هایی به دست خواهد آمد که منطق طیف فکری ما را در این باره متوجه شود.